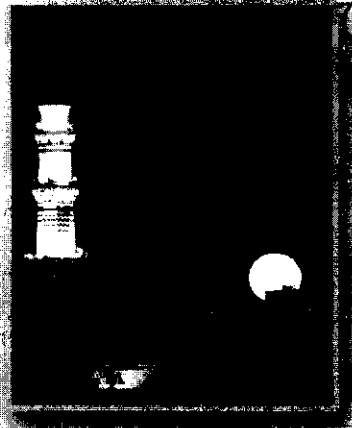


## ● چکیده:

حضرت رسول اکرم (ص) اشالوده دینی الهی و متین را بنیان نهاد که اساس آن بر توحید و پرستش خدای یکانه و بی نیاز است. این پیامبر که تجلی رحمت بر جهانیان است به عنوان آخرین سفیر الهی در جزیره العرب ظهور کرده و تمام مساعی خود را بکار گرفت که زنکارهای کفر و شرک و ضلالت را که همچون غل و زنجیری بر دست و پای اعراب بسته شده و سنگینی می کرد را باز کند و آنان را به قله رفیع سعادت که همان تقرب به خداست برساند.

پیامبر عظیم الشان که اسوه‌ای برای انسان هاست در طول ۲۳ سال تلاش‌ها و زحمات طاقت فرسایی را متحمل شد که نتیجه‌ی این مجاهدت‌ها، اصلاحات عمیقی بود که در جامعه عرب که از فطرت الهی خود دور شده بودند بنیان گذاشت. از جمله این اصلاحات عظیم، اصلاحات اجتماعی بود که رسول خدا (ص) به آن اهتمام ورزید و بنیان فرهنگ و تمدن اسلامی را پی ریزی کرد. در حقیقت با این اصلاحات یک نسیم مفرحی در کالبد جامعه‌ی عرب دمید و آنان را به تحرک و بیداری و رهایی از خمودگی و ضلالت تشویق کرد، به نحوی که هنوز مدت طولانی از رسالت رسول خدا (ص) نگنشته بود که آوازه‌آنان عالمگیر شد.

محورهای اصلاحات اجتماعی که پیامبر اعظم (ص) به آن اهتمام ورزید، زدودن آثار جاهلی و نژادگرایی، تربیت انسان‌های شایسته، آزادی اجتماعی (آزادی برده‌ها)، توجه به حقوق زنان، تلاش برای از میان بردن فقر، مبارزه با تبعیض و ستم، تقسیم غنایم بطور یکسان در میان یاران خود، اجرای مساوات و عدالت و... بود که در این مقاله به



حقیق از: سید حسین خجسته  
استاد دانشگاه آزاد اسلامی کورستان

آن می‌پردازیم.

کلید واژه: رسول الله (ص)، مسلمانان، اصلاحات، زدودن جاهلیت، عدالت

### مقدمه:

پژوهش در سیره‌ی رسول خدا (ص) بویژه اصلاحات عمیقی که در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در طول ۲۳ سال از سوی آن تجلی رحمت صورت گرفت، در بردارنده نکات ارزنده‌ی تربیتی و اخلاقی است که با بررسی و توجه به آن مسلمانان می‌توانند الگو بگیرند و قدم در راه معرفت و کمال گذارده و نهایتاً به سعادت و رستگاری نائل شوند.

مجموع این عوامل مرا واداشت تا به بررسی اصلاحات اجتماعی در سیره و سنت نبوی و درسها و نتایجی که می‌تواند برای مسلمانان و جهانیان داشته باشد پردازم. روش تحقیق در این مقاله به شیوه‌ی کتابخانه‌ای با تکیه بر منابع اصلی و درجه اول می‌باشد که برای فهم بهتر از منابع درجه دوم و مطالعات و تحقیقات جدید نیز استفاده شده است. به امید اینکه مورد رضایت ایزد متّان و ساحت مقدس رسول اکرم (ص) و علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت قرار گیرد.

### ● نگاهی گذرا به عصر جاهلیت قبل از بعثت خاتم الانبیاء (ص)

اکثر آسیب‌های اجتماعی در نتیجه جهل و پابندی به آن صورت می‌گیرد که این مسأله در جامعه جاهلی عربستان پیش از ظهور اسلام به وفور وجود داشت. مظاهر و نمودهای جاهلیت، همچون جنگ‌های قبیله‌ای و کشت و کشتارهای بی حاصل (ایام العرب)، شرب خمر، زنده به گور کردن دختران، قتل نفس، قماربازی، افتخار بیش از حد به حسب و نسب و رزیدن، نژادگرایی، خرافات و غارت‌گری در جزیره‌ی العرب وجود داشت و اعراب در آن غوطه ور شده بودند.

خداوند در قرآن مجید دورنمای عهد جاهلیت و زندگی سراسر فلاکت بار ملت عرب را پیش از ظهور اسلام و بعثت رسول خدا (ص) بدین گونه یادآور می‌شود: «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود بیاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید، و شما

بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آنجا برگرفت (و نجات داد) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید هدایت شوید.»<sup>۱</sup>

خداوند در ارتباط با زحمات پیامبر (ص) برای انجام اصلاحات در جامعه جاهلی

می‌فرماید:

«خدایی که موجودات آسمانها و زمین، او را به عظمت یاد می‌کنند کسی است که پیغمبری در میان مردم قریش برانگیخت تا آیات الهی را بر آنها تلاوت کند و از رذائل اخلاقی پاک‌گرداند و دانش کتاب آسمانی و حکمت را به آنان بیاموزد، زیرا آنها قبلاً در گمراهی آشکاری به سر می‌بردند.»<sup>۲</sup>

در آیه‌ی فوق هدف بعثت را در سه امر خلاصه کرده که یکی جنبه‌ی مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است، و در قسمت دیگر یعنی «تهدیب و تزکیه نفوس» و «تعلیم کتاب و حکمت» دو هدف بزرگ نهایی را تشکیل می‌دهد. آری پیامبر (ص) آمده که انسان‌ها را هم در زمینه‌ی علم و دانش، و هم اخلاق و عمل، پرورش دهد تا به وسیله‌ی این دو بال بر اوج آسمان سعادت پرواز کنند، و مسیر الی الله را پیش گیرند، و به مقام قرب او نائل شوند.<sup>۳</sup>

از افتخارات امام علی (ع) این بود که از دوران خردسالی تحت تعلیم و تربیت مستقیم رسول خدا (ص) قرار داشت و جامعه‌ی جاهلی آن زمان را دیده بود و از مظاهر و نمودهای جاهلیت و از تأثیر بعثت در آن عصر کاملاً اطلاع داشته است، بطوری که می‌فرماید:

«خداوند، پیامبر اسلام (ص)، حضرت محمد (ص) را هشدار دهنده‌ی جهانیان مبعوث فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد. آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک، فاقد شنوایی، به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید؛ خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد، و مفسد و گناهان، شما را فراگرفته بود.»<sup>۴</sup>

و باز امام علی (ع) در خصوص دوران جاهلیت و نعمت بعثت در قسمتی دیگر

می‌فرماید:

«خدا پیامبر اسلام (ص) را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی

بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده، و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود، و نادانیهای جاهلیت پست و خوارشان کرده، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلای جهل و نادانی دامنگیرشان بود. پس پیامبر (ص) در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد، و آنان را به راه راست راهنمایی، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.<sup>۵</sup>

و نیز می‌فرماید: «همانا خداوند هنگامی محمد (ص) را مبعوث فرمود که هیچ کس از عرب سواد خواندن کتابی را نداشت، و اتعای پیامبری نمی‌کرد. پیامبر (ص) مردم جاهلی را تا به جایگاه کرامت انسانی پیش برد و به رستگاری رساند و از گرفتاری و درماندگی بیرون آورد تا آن که کارشان سامان گرفت، و خاطر پریشان‌شان آسوده گشت.»<sup>۶</sup>

و باز حضرت در وصف روزگاران بعثت پیامبر (ص) می‌فرماید:

«خدا پیامبر اسلام (ص) را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت‌ها گذشته، و ملت‌ها در خواب عمیقی فرو رفته بودند. فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ همه جا زبانه می‌کشید و دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود. آب حیات فرو خشکیده و نشانه‌های هدایت کهنه و ویران شده بود. پرچم‌های هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم نگریست، و با چهره‌ای عبوس و غم آلود با اهل دنیا رو برو می‌گشت. میوه درخت دنیا در جاهلیت فتنه، و خوراکش مردار بود، در درونش وحشت و اضطراب، و بر بیرون شمشیرهای ستم حکومت داشت.»<sup>۷</sup>

### ● تلاش‌های رسول خدا (ص) در زدودن آثار جاهلی و نژادگرایی

اعراب جاهلی از آنجا که جز ستون چادر و نظام قبیله ای چیزی را ندیده بودند و نمی‌شناختند، همه افتخارات خود را در این نظام بسته و محدود خلاصه می‌کرد. افتخار به قبیله و نسب و حسب در عرب بسیار رایج و شایع بود و بر همین اساس بود که «علم آنساب» (نسب‌شناسی) عرب پی ریزی شد و بی اندازه درخور توجه بود. عرب بیابان گرد همیشه بر آن بود تا وقایع گذشته و حوادث دیرینه را که به نوعی برای او فخر و مجد به حساب می‌آمد، در یادها زنده نگهدارد و با آن بر دیگر قبایل و چادرنشینان

رتال جامع علوم انسانی

قرآن در این خصوص می‌فرماید: (الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) «تفاخر و تکاثر شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل کرده) تا آنجا که زیارت قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید) مفسران معتقدند که این سوره درباره قبائلی نازل شد که بر یکدیگر تفاخر می‌کردند، و با کثرت نفرات و جمعیت یا اموال و ثروت خود بر آنها مباحثات می‌نمودند تا آنجا که برای بالا بردن آمار نفرات قبیله به گورستان می‌رفتند و قبرهای مردگان هر قبیله را می‌شمردند.»<sup>۱۲</sup>

شایان ذکر است. پس از بعثت، رسول خدا (ص) وظیفه الهی خود را که همان ارشاد و هدایت انسانها و رساندن آنان به سعادت و تقرّب به خدا بود را آغاز کرد، و اصلاحات اجتماعی را پیگیری نمود تا جایی که قرآن می‌فرماید: «گوئی می‌خواهی خود را از غم و اندوه بخاطر اعمال آنها هلاک کنی، اگر آنها به این گفتار ایمان نیاورند» آن حضرت می‌فرمود: «خداوند به من وحی فرستاده که فروتنی کنید تا کسی بر کسی افتخار نکند و کسی بر کسی تعدی نکند»<sup>۱۳</sup> و نیز می‌فرماید «شیطان دامها و تله‌ها دارد و از جمله دامها و تله‌های وی این است که از نعمتهای خدا مغرور شوند و به بخشش‌های او تفاخر کنند و با بندگان خدا تکبر کنند و خود در کار وی پیرو هوس شوند.»<sup>۱۴</sup>

رسول خدا (ص) در سخنرانی خود در فتح مکه فرمود: «بدانید که حق تعالی ما را این کرامت ارزانی داشت و کار اسلام بالا گرفت و دین حق ظاهر شد و مسلمانان همه یکی هستند و هیچ کس را بر هیچ کس تفاخر نیست...»<sup>۱۵</sup> در منبع دیگری چنین آمده: «مردم در اسلام برابرند، مردم بیک اندازه کامل، فرزند آدم و حوایند، عربی را بر عجمی و عجمی را بر عربی جز به پرهیزکاری و ترس از خداوند برتری نیست.....»<sup>۱۵</sup>

### سپس این آیه را تلاوت فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ۱۶: ای مردم، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم و شما جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید، هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست و خداوند دانا و کاربان است.

بدین سان رسول خدا (ص) با بیاناتش و قرائت آیه‌ی فوق الذکر، اعلامیه حقوق بشر که در آن نژادگرایی را طرد کرده بود و آزادی اجتماعی را یک حق مسلم برای همه

انسانها همچون حق حیات به ارمغان آورده و در مقام عمل اثبات کرد که برده‌ها آزاد هستند.<sup>۳۷</sup> آن گونه که ده نفر از بنده‌های شهر طائف را آزاد کرد و هریک را به مردی از مسلمانان سپردند تا عهده دار هزینه و حمل او باشد.<sup>۳۸</sup>

تأکیدهای رسول اکرم (ص) درباره بی اساس بودن تعصبات قومی و نژادی، اثر عمیقی در قلوب مسلمانان بالاخص مسلمانان غیرعرب گذاشت. به همین دلیل همیشه مسلمانان اعم از عرب و غیرعرب اسلام را از خود می‌دانستند نه بیگانه و اجنبی، و به همین جهت ظلم و ستم و تعصبات نژادی و تبعیضات خلفای اموی نتوانست مسلمانان غیرعرب را به اسلام بدبین کند، همه می‌دانستند حساب اسلام از کارهای خلفا جداست.<sup>۳۹</sup>

### ● تربیت انسانهای شایسته

از جمله اقدامات و اصلاحات اجتماعی که رسول خدا (ص) به آن توجه تامی داشتند، تربیت انسان‌های شایسته و متدین، و پرورش فضایل اخلاقی، علمی، اعتقادی، فرهنگی و معنوی در آنان بود. که در ذیل به برخی از آنان اشاره خواهد شد.

زیدبن حارثه، ابوذر، عماربن یاسر، مقداد، سلمان و... از تربیت شدگان محضر پیامبر (ص) بودند. بلال بن رباح (بلال حبشی) مؤذن رسول خدا (ص) که حضرت صادق (ع) در حق او فرمود: بلال عبد صالح بود.<sup>۴۰</sup> شایان ذکر است که شخصیت‌های فوق‌الذکر در پیشرفت و توسعه اسلام مجاهدتها و مزارت‌های زیادی را متحمل شدند که در ذیل به توضیح مختصر پیرامون یکی از چهره‌های ماندگار اسلام یعنی «سلمان» می‌پردازیم. «روزبه» ایرانی که در جستجوی حقیقت بود از زادگاهش «جی» اصفهان از آیین زرتشتی به دیانت مسیحیت درآمد و پس از مدت‌ها تحقیق در مراکز مسیحی شام و موصل و نصیبین و عموریه بر طبق نشانه‌هایی که اسقف عموریه از پیامبر آخر زمان به وی داده بود راهی سرزمین حجاز شد و مدت‌ها نزد یهودیان «وادی القری» و سپس «بنی قریظه» خدمت کرد.<sup>۴۱</sup>

سرانجام سلمان، در همان آغاز هجرت گمشده‌اش را یافت و در حالی که برده یک یهودی بود، در محضر پیامبر اکرم (ص) مسلمان شد.<sup>۴۲</sup> رسول خدا (ص) وی را به مبلغ چهل نهال خرما و چهل وقیه (هر وقیه معادل چهل درهم) از مرد یهودی خرید و آزادش ساخت، و نام زیبای «سلمان» را بر او نهاد.

این شخصیت برجسته پس از گرایش به اسلام به عنوان الگوی وارسته و شایسته

برای مسلمانان درآمد و ارزشهای الهی بسیاری در ضمیر وجود خویش گردآورد که برخی از آن افتخارات و فضایل را مورد توجه قرار می‌دهیم.

سلمان پس از پذیرش اسلام روز به روز مدارج کمال را طی کرد، تا اینکه در نزد رسول خدا (ص) از جایگاه والای برخوردار شد و مورد تقدیر و ستایش حضرت و ائمه معصومین (ع) قرار گرفت.

سلمان فارسی در ماجرای غزوهٔ احزاب به پیامبر (ص) گفت: «ای پیامبر خدا ما در کشور پارسیان وقتی محاصره می‌شدیم خندق می‌زدیم»<sup>۲۲</sup>. به خاطر نیرومندی و سخت کوشی وی در جریان حفر خندق بین مهاجر و انصار بحث ایجاد شد به نحوی که انصار می‌گفتند «سلمان از ماست» و مهاجران نیز می‌گفتند «سلمان از ماست» در این هنگام رسول خدا (ص) فرمود: «سلمان منا اهل البیت»<sup>۲۵</sup> (سلمان از ما اهل بیت است) این بیان و توصیف رسول خدا (ص) از سلمان بخاطر پیوند نسبی با وی نیست، بلکه براساس صفات عالی انسانی، و ایمان و معرفت و سلامت نفس که در حد اعلا در وجود سلمان بود، از آن برخوردار گردید.

جابر نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود:

«همانا اشتیاق بهشت به سلمان بیش از اشتیاق سلمان به بهشت است و بهشت به دیدار سلمان عاشق‌تر از دیدار سلمان به بهشت است.»<sup>۲۶</sup> از روایات بدست می‌آید که سلمان اسم اعظم الهی را می‌دانست و از محدثین بوده و حق تعالی پیامبر (ص) را امر فرموده بود به محبت چهار نفر، که سلمان یکی از آنان است.<sup>۲۷</sup> جبرئیل هر وقت بر حضرت رسول اکرم (ص) نازل می‌شد امر می‌کرده از جانب پروردگار، که سلمان را سلام برساند و او را از علم منایا و بلایا (حوادث آینده) و انساب مطلع گرداند.<sup>۲۸</sup> امام صادق (ع) فرمود: «ایمان ده درجه دارد، مقدار در درجه هشتم، و ابوذر در درجه نهم، و سلمان در درجه دهم ایمان است.»<sup>۲۹</sup>

از نظر علم و دانش نیز سلمان در جایگاه رفیعی قرار داشت، رسول خدا (ص) در این زمینه فرمود: «اگر دین در ثریا بود، سلمان به آن دسترسی پیدا می‌کرد»<sup>۳۰</sup> و وسعت و عمق آگاهیهای سلمان به حدی بود که برای هرکس قابل درک نیست. امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) و امام علی (ع) اسراری را که دیگران قدرت تحمل آن را نداشتند به سلمان می‌گفتند و او را لایق نگهداری علم مخزون و اسرار می‌دانستند از اینرو یکی از القاب سلمان، «محدث» است.<sup>۳۱</sup> سلمان مقام علمی اش را این چنین تعبیر

می‌کند: ای مردم اگر من شما را از آنچه می‌دانستم، مطلع می‌کردم، می‌گفتید سلمان دیوانه است، یا گروه دیگری می‌گفتند خدایا قاتل سلمان را بیامرز.<sup>۳۲</sup>

در ارتباط با زهد سلمان در منابع آمده است که وی خانه نداشت و هرگز دل به ساختن خانه نمی‌داد، شخصی از او خواست تا برایش خانه‌ای بسازد ولی سفارش کرد خانه چنان باشد که هنگام ایستادن سر به سقف آن بخورد و هنگام خوابیدن پا به دیوار برسد.<sup>۳۳</sup> سلمان روحیه پارسایی بالا و قناعت خاصی داشت، بنحوی که حتی حقوق اندک سالانه خود را هم به نیازمندان می‌داد و بسیار اندک برای خود برمی‌داشت.

پس از ارتحال جانشین رسول خدا (ص)، سلمان پیوسته مدافع ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) بود و همواره با سخنانش از حریم ولایت دفاع می‌کرد. از جمله می‌گفت: «بهترین فرد این امت، علی (ع) است».<sup>۳۴</sup>

ابن عباس سلمان را در خواب دید و از او پرسید: در بهشت، پس از ایمان به خدا و رسول (ص) چه چیز برتر است؟ سلمان پاسخ داد: پس از ایمان به خدا و پیامبر (ص) هیچ چیز با ارزشتر و برتر از دوستی و ولایت علی بن ابیطالب (ع) و پیروی از او نیست.<sup>۳۵</sup> وی سرانجام در اواخر خلافت عثمان در سال ۳۵ هجری وفات یافت.

### توجه به حقوق زنان

زن در عصر جاهلیت از شخصیت انسانی و حقوق لازم در میان اعراب برخوردار نبود. برخی از ترس قحطی، و احیاناً از بیم آلودگی، دختران خود را روز اول تولد، سر می‌بریدند، و یا از بالای کوه بلند به دره عمیقی پرتاب می‌کردند و گاهی در میان آب غرق می‌نمودند.<sup>۳۶</sup> قرآن در این باره می‌فرماید:

«درحالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش سیاه می‌شود، و خشمگین می‌گردد. بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد، (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کن؟ آگاه باشید که بدحکم می‌کنند.»<sup>۳۷</sup>

در جزیره العرب سرنوشت زن مقهور اراده مرد بود. مرد می‌توانست آنچه می‌خواست با زن انجام دهد و از حق فروش، قتل و ضرب و شتم زن برخوردار بود. زن در بسیاری از موارد، در پذیرش یا عدم پذیرش شریک زندگی اختیار نداشت. تعدد زوجات بی قید و شرط بود تا آن جا که یک مرد می‌توانست زنان متعدد اختیار کند. این امر امنیت حقوقی و خانوادگی زن را تهدید می‌کرد و گذشته از این انواع زناشویی



غلط، شأن و شخصیت زن را تا حد زیادی پائین آورده بود.<sup>۳۸</sup>

با توجه به مطالب فوق الذکر در می‌یابیم که پیش از ظهور اسلام، زن از یک وضعیت نامطلوب برخوردار بود. اما با ظهور دین مبین اسلام، حقوق و شخصیت و کرامت انسانی و هویت حقیقی خود را پیدا کرد. بنحوی که رسول خدا (ص) سفارش‌های متعددی در خصوص زنان می‌فرمود که به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم: از جمله در سخنرانی روز عرفه در حجة الوداع فرمود: «در مورد زنان از خدا بترسید زیرا آنها را به امانت الهی گرفته‌اید و با کلمه خدا آنها را حلال کرده‌اید...»<sup>۳۹</sup> در قرآن نیز برای زنان استقلال مالی در مهریه، کار و کوشش و ارث قرار داده شد تا حقوق اجتماعی آنان پایمال نشود.<sup>۴۰</sup> در خصوص ارزش خدمت به زن پیامبر (ص) می‌فرمود: «خدمتی که به زن خود می‌کنی صدقه است».<sup>۴۱</sup>

### ● روابط مسالمت آمیز با اقلیت‌های دینی و توجه به حقوق آنها

رسول خدا (ص) تلاش و کوشش گسترده‌ای برای هدایت و ارشاد انسانها انجام دادند و به وظیفه الهی خود، به نحو شایسته‌ای پرداختند که مهمترین بازتاب آن یکتاپرستی و زدودن کفر و شرک و گسترش اسلام بود. اما در عین حال برخی از پیروان سایر ادیان از جمله یهودیان و مسیحیان حاضر به پذیرش آئین اسلام نمی‌شدند. در چنین مواردی پیامبر (ص) آنان را مجبور به پذیرش دین مبین اسلام نمی‌کردند و برای آنان حقوق لازم قائل بودند و می‌توانستند در کنار مسلمانان و در پناه حکومت اسلام زندگی کنند. در زیر به نمونه‌های از روابط مسالمت آمیز پیامبر (ص) با پیروان سایر ادیان اشاره می‌نمائیم.

در سال هفتم هجرت رسول خدا (ص) در جنگ خیبر، قلعه‌های یهودیان را گشودند.<sup>۴۲</sup> آنان پیش حضرت آمدند و گفتند: ای پیامبر (ص) ما به کار کشاورزی و فنون آن آشنایی داریم، پیامبر (ص) با آنها قرار گذاشتند در پرورش و کشاورزی درختان خرما و زراعت‌های دیگر اقدام کنند، و در عوض سهمی از خرما و کشاورزی ببرند. آنها زیر درختان خرما کشاورزی می‌کردند و پیامبر (ص) فرمود: من شما را در این سرزمین مستقر می‌سازم. پس از این قرارداد نیمی از محصول به یهودیان تعلق می‌گرفت. عده‌ای از مسلمانان به زراعت و سبزیکاری آنها تجاوز می‌کردند. یهودیان به رسول خدا (ص) شکایت کردند. پیامبر (ص) مردم را در مسجد فراخواند

و پس از حمد و ثنای خداوند فرمودند: «یهودیان شکایت کرده‌اند که شما به سبزه زارها و مزارع ایشان تجاوز می‌کنید، در صورتی که ما با ایشان در مورد خونها و اموالشان امان داده ایم و معاهده بسته ایم، همچنین درباره زمینهای آنها که در دست خودشان باقی مانده است پیمان بسته ایم و با آنها معامله کرده ایم و نمی‌توان اموال کسانی را که با آنها پیمان داریم تصرف کنیم مگر در مقابل حق. پس از آن مسلمانان هیچ چیز از یهودیان نمی‌گرفتند مگر اینکه پول آن را پرداخت می‌کردند، و چه بسا یهودیان به مسلمانان می‌گفتند این سبزی را مجانی به شما می‌دهیم! و آنها بدون پرداخت قیمت از پذیرش آن خودداری می‌کردند.»<sup>۲۳</sup>

این قرارداد و اقدام رسول خدا (ص) در خصوص یهودیان از چند نظر قابل بررسی و دقت است.

۱- توجه پیامبر (ص) به محیط زیست و عمران و آبادی و کشاورزی که یکی از پایه‌های تمدنی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود.

۲- احترام و توجه به حقوق اقلیتهای دینی و عدم اجبار آن برای پذیرش آئین اسلام

۳- این اقدام بیانگر شخصیت عظیم پیامبر (ص) و خلق حسنه و شایسته ایشان

بود.

روابط رسول خدا (ص) با مسیحیان نیز حاکی از اصول انسانی و بطور مسالمت آمیز و حسنه بود. در اثر تلاشها و مجاهدت‌های پیامبر (ص) و مسلمانان سال نهم هجرت، «عام الوفود یا سنة الوفود» یا سال گسترش اسلام نامیده شد. در این سال گروهی از نصاری نجران به مدینه آمدند و با پیامبر (ص) به گفتگو پرداختند. تنها مشکل بر سر راه مذاکرات، این بود که نجرانیها، مسیح (ع) را فرزند خدا دانستند. در چنین شرایطی رسول خدا (ص) به امر خدا آنان را دعوت به مباحله کرد<sup>۲۴</sup>. مسیحیان از مباحله خودداری کردند زیرا هنگامی که پیامبر (ص) به همراه علی (ع) و حسنین (ع) و حضرت زهرا (س) برای مباحله آمد مسیحیان گفتند: «ای ابوالقاسم با تو مباحله نمی‌کنیم لیکن به تو جزیه می‌دهیم»<sup>۲۵</sup> رسول خدا (ص) نیز بر دو هزار جامه که ارزش هرکدام چهل درهم بود با آنان صلح و معاهده‌ای بست.<sup>۲۶</sup> و آنان را تحت حمایت خدا و ذمه رسولش قرار داد و آنها بر جان و مال و مذهب و سرزمین خود ایمن خواهند بود و حقوق و تعالیم مذهبی ایشان مورد تغییر قرار نخواهد گرفت و با ایشان با انصاف رفتار خواهد شد. شایان ذکر است پیامبر (ص) با تساهل و مدارای کامل دینی با آنان

رفتار کرد و نجرانی‌ها را وادار به تغییر دین نکرد و یا برخلاف نظر برخی، آنها را موظف به پرداخت مبالغ هنگفتی ننمود.<sup>۴۷</sup>

### ● تلاش برای زدودن فقر و اجرای مساوات و عدالت

در حقیقت رسول خدا (ص) الگو و اسوه‌ای عملی برای تمامی انسانها بویژه مسلمانان است. ایشان قبل از اینکه چیزی را از مردم بخواهد که انجام دهند، خود به آن عمل می‌کرد و در واقع این مهمترین روشی بود که با آن سروکار داشت و همین امر باعث علاقمندی و جذب و گرایش دیگران به آئین مبین اسلام می‌شد.

شایان ذکر که یکی از تلاشهای مفید و مؤثر پیامبر (ص) رسیدگی به مشکلات مردم، و زدودن فقر، و مبارزه با ستم و تبعیض بود. آن حضرت می‌فرمود: «هر چیزی را کلیدی هست و کلید بهشت دوستی مستمندان و فقیران است.»<sup>۴۸</sup> و توصیه می‌کرد «آنچه خودتان نمی‌خورید به مستمندان نخورانید»<sup>۴۹</sup> و یا «عطا به مستمندان از مرگ بد جلوگیری می‌کند»<sup>۵۰</sup> و باز فرمود: «فروتنی کنید و با فقیران بنشینید تا در پیش خدا بزرگ باشید و از تکبر برکنار مانید.»<sup>۵۱</sup>

رسول خدا (ص) برای ایجاد یک جامعه عالی بر اساس اصول و دستورات الهی، تلاشهای وافری انجام داد و در این راستا با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ایجاد یک قانون اساسی مدون، تمام مساعی خود را بکار گرفت که مساوات و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار کند و می‌کوشید از غنائم بدست آمده در غزوات همه را یکسان برخوردار کند و همچنین از خمس و زکات و صدقات و فقی، فقرا و نیازمندان را بهره مند کند. تا جایی عدالت در نزد حضرت اهمیت داشت که می‌فرمود: «یکساعت عدالت از یکسال عبادت بهتر است»<sup>۵۲</sup> و در جایی می‌فرمود: «عادلتر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود روا ندارد بر مردم روا ندارد.»<sup>۵۳</sup> و باز حضرت فرمود: «از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همانطور که می‌خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.»<sup>۵۴</sup> و یا می‌فرمود: «عدالت نیک است ولی از زمامداران نیکوتر است.» امام صادق (ع) فرمود: «پیامبر (ص) نگاه کردن خود را نیز میان اصحاب تقسیم می‌کرد، و به این و آن، برابر می‌نگریست»<sup>۵۵</sup> پیامبر (ص) در اجرای عدالت، برای ایجاد رفاه عمومی برنامه‌ی منظم تعیین کرد.

نتایج و درسهایی که از اصلاحات اجتماعی رسول الله (ص) می‌توان گرفت:

۱- رسول خدا (ص) با بهره‌مندی از منبع وحی الهی و تلاشهای طاقت فرسا، تدریجاً تحولی اساسی در جامعه -ی عرب که در جاهلیت غوطه ور شده بود ایجاد کرد، و آنان را به یکتاپرستی و کسب ارزشها و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی دعوت کرد.

۲- از جمله مسائلی که انسانها را از حقایق و ارزشهای الهی دور می‌کند، تفاخر بر یکدیگر و افتخار به حسب و نسب ورزیدن و یا به عبارتی عصبیت جاهلی داشتن، است. رسول خدا (ص) با تلاشی وافر، فخرفروشی بر یکدیگر و تکبر ورزیدن و افتخار به نژاد ورزیدن را از دامهای شیطان دانست، و برتری را فقط در تقوای الهی و خوف خدا برشمرد.

۳- رسول خدا (ص) با تربیت انسانهای شایسته گام مهمی در جهت رساندن آنان به سعادت و تقرّب به خدا برداشت. که خود این تربیت شدگان مکتب رسالت، سهم عظیمی در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلام ایفا کردند.

۴- رسول خدا (ص) با دفاع از حقوق و تکریم شخصیت زنان، جایگاه رفیعی به آنان ارزانی کرد و مردان را موظف به رعایت حقوق زنان و خوش رفتاری و خدمت کردن به آنان ترغیب کرد.

۵- پیامبر (ص) که شایسته‌ای صفت زیبایی، رحمت بر عالمیان است، نسبت به پیروان سایر ادیان رفتار بسیار مطلوب و انسانی داشت و آنان را مجبور به پذیرش اسلام نکرد، و مسلمانان را نسبت به رعایت حقوق آنان آگاه ساخت.

۶- تلاش برای زدودن فقر و اجرای مساوات و عدالت اجتماعی از جمله برنامه‌های مهم پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال رسالت ایشان بود که به نحو شایسته‌ای به آن پرداختند.

۷- ابزارهای موفقیت پیامبر (ص) در اجرای اصلاحات اجتماعی، مردم‌داری، خوش اخلاقی، عفو و گذشت، بخشش و محبت، حوصله و تحمل، و .... بود.

#### پی نوشتها

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۲- سوره جمعه، آیات ۱ و ۲

- ۲- جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۰۷
- ۴- دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ص ۵۷
- ۵- همان منبع، خطبه ۹۵، ص ۱۳۵
- ۶- همان منبع، خطبه ۳۳، ص ۶۷
- ۷- همان منبع، خطبه ۸۹، ص ۱۱۵
- ۸- آئینه وند، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۷
- ۹- سوره تکاثر، آیات ۱ و ۲
- ۱۰- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۷۵
- ۱۱- سوره كهف، آیه ۶
- ۱۲- ترجمه نهج الفصاحه، حدیث شماره ۶۷۸، ص ۱۳۷
- ۱۳- همان منبع، حدیث شماره ۸۸۲، ص ۱۴۲
- ۱۴- ابن هشام، سیرت رسول الله (ص)، ص ۴۴۹
- ۱۵- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۰۴
- ۱۶- سوره خُجرات، آیه ۱۳
- ۱۷- منتظرالقائم، تاریخ تحلیلی اسلام تا سال چهلم هجری، ص ۲۵۳
- ۱۸- واقدی، مغازی، ج ۳، ص ۷۰۹، ۷۱۰
- ۱۹- شهید مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۷۶
- ۲۰- قمی، تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، ص ۵۷
- ۲۱- منتظرالقائم، تاریخ تحلیلی اسلام تا سال چهلم هجری، ص ۱۶۰
- ۲۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۶۶
- ۲۳- همان منبع، ص ۳۶۶
- ۲۴- طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۶۸
- ۲۵- همان منبع، ص ۱۰۷۰
- ۲۶- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۱
- ۲۷- قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۳۸
- ۲۸- همان منبع، ص ۱۳۸
- ۲۹- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۱

۲۰- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۷

۲۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۳۱

۲۲- اختیار معرفه الرجال المعروف برجال کشی، ص ۷۷

۲۳- شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۷

۲۴- امین عاملی، اعیان الشیعہ، ج ۷، ص ۲۸۷

۲۵- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۱

۲۶- سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۰، ۳۱

۲۷- سورۃ نحل، آیات ۵۸، ۵۹

۲۸- نصیری، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۴۶

۲۹- واقدی، مغازی، ج ۳ ص ۸۴۴

۴۰- سورۃ نساء آیات ۴ و ۲۲

۴۱- ترجمه نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۴۳۵، ص ۳۴۷

۴۲- مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۴۴

۴۳- مغازی، ج ۲، ص ۵۲۶، ۵۲۷

۴۴- سورۃ آل عمران، آیه ۶۱

۴۵- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۵۱

۴۶- همان منبع، ص ۴۵۱، ۴۵۲

۴۷- منتظر القائم، تاریخ تحلیلی اسلام تا سال چهل هجری، ص ۲۱۵

۴۸- ترجمه نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۲۶۲، ص ۵۹۶

۴۹- همان منبع، حدیث شماره ۲۲۶۵، ص ۵۹۶

۵۰- همان منبع، حدیث شماره ۲۸۹۱، ص ۵۹۶

۵۱- همان منبع، حدیث شماره ۱۱۸۶، ص ۱۵۰

۵۲- همان منبع، حدیث شماره ۱۹۳۶، ص ۴۴۷

۵۳- همان منبع، حدیث شماره ۳۴۰، ص ۴۴۷

۵۴- همان منبع، حدیث شماره ۳۶، ص ۴۴۷

۵۵- همان منبع، حدیث شماره ۲۰۰۶، ص ۴۴۷

۵۶- ترجمه احمد آرام، الحیاء، ج ۱، ص ۶۸۴